

مرحله‌ی دوم

پایداری در عزم



در سال اول، در مرحله‌ی عزم، دانستیم که محتوای هر عزمی عهد و پیمان با خداست و سه مرحله دارد :

۱- عهدی برای قدم در راه زندگی (عهد کلی با خداوند)

۲- تجدید آن عهد

۳- تکمیل عهد

کسی که خداوند را به عنوان محبوب زندگی برمی‌گزیند، عهد می‌کند در مسیری قدم بردارد که به محبوب و مقصود خود نزدیک شود و این همان عهد کلی است. چنین انسانی براساس این عهد تصمیم می‌گیرد و برنامه‌های خود را عملی می‌کند.

در این سال، همچنین آشنا شدیم که چگونه تصمیم خود را تقویت کنیم تا در آن، پایدار و ثابت قدم بمانیم.

در سال دوم، پس از یادآوری معاد و آینده‌ی خطیر انسان در سرای دیگر، آن عهد کلی را تجدید کردیم و بر تصمیم خود پایداری ورزیدیم. همچنین با توکل بر خدا به عنوان عاملی برای پایداری بر عزم آشنا شدیم.



درس ۱۳

کرامت نفس

اکنون که خداوند با فرستادن پیامبران و راهنمایی پیشوایان، ما را به پیروی از دین خود دعوت کرده و رسیدن به سعادت را در گرو پیمودن این راه قرار داده است، بار دیگر عهد و پیمان خود را درباره‌ی وفاداری به دین به خاطر می‌آوریم و ضمن اعلام سپاس به پیشگاه خداوند، پیمان گذشته را با خداوند تجدید می‌کنیم.

برای این که بر این تصمیم ثابت قدم تر بمانیم و رشته‌ی پیمان را نگسلیم، علاوه بر آموخته‌های سال‌های قبل، برنامه‌ی دیگری را که پیشوایان به ما تعلیم داده‌اند، تمرین می‌کنیم.

کرامت نفس و وفاداری بر پیمان

خدا انسان را عزیز آفریده و بر سایر موجودات کرامت بخشیده است^۱ و خطاب به او فرموده :
«ای فرزند آدم اشیاء را برای تو آفریدم و تو را برای خودم.»^۲ از این رو اگر به سوی خدا قدم بردارد،
مانند حضرت موسی علیه السلام او را لایق و شایسته‌ی خود قرار می‌دهد و به او می‌فرماید :

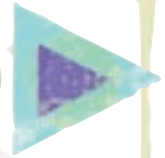
وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

تو را برای خودم برگزیدم و پروردم

طه ۴۱

آیا می‌توان بهایی با ارزش‌تر از این برای انسان یافت؟ خدا فرموده که خود بهای انسان است ؛
آیا چیزی گران‌قدرتر از این می‌توان پیدا کرد؟
اگر انسان این حقیقت را درک کند و کرامتی را که خداوند به او بخشیده بشناسد، از آن چه
او را پست و حقیر کند و در نزد خداوند کوچک نماید، دوری می‌ورزد.
انسان کریم پروا دارد و شرم می‌کند که پیمان‌شکنی نماید و در حضور خداوند گناه کند.
فرزندى را تصور کنید که پدر و مادرش برای او بسیار عزیزند و از این که او را در حال گناه ببینند،
شرمگین می‌شود ؛ از این رو، می‌کوشد خطای خود را از آنان بپوشاند. انسان صاحب کرامت که
می‌داند نمی‌توان کاری را از خداوند مخفی کرد، می‌کوشد خود را حفظ کند و به گناه آلوده نشود.

برای مطالعه



شخصی دانا دیگران را نصیحت می‌کرد. به آنان گفت اگر می‌خواهید گناه کنید،
به جایی بروید که کسی شما را نبیند.

روز دیگر پرسید کدام یک از شما به نصیحت من عمل کرد و دور از منظر
دیگران مرتکب گناه شد؟ جوانی برخاست و گفت : من جایی که کسی نباشد، نیافتم تا
گناه کنم. هر جا رفتم خدا را حاضر دیدم پس دست به گناه نزدم.

۱- اسراء ۷۰.

۲- یا بنی آدم خَلَقْتُ الْأَشْيَاءَ لِجَلِّكَ وَ خَلَقْتُكَ لِنَفْسِي

اگر کسی توانایی کنترل شهوت خود را ندارد، اگر در مقابل تحریک‌های بیرونی تسلیم می‌شود، بدان جهت است که خود را در برابر این امور کوچک می‌بیند. برخی در توجیه خطا و گناه خود از عوامل تحریک‌کننده یا شرایط اجتماعی و اقتصادی یاد می‌کنند و خطای خود را بر دوش آن عوامل می‌گذارند. درست است که آن عوامل زمینه‌ساز گناهند اما قدرت روحی و اراده‌ی انسان می‌تواند در مقابل گناه بایستد و آن را شکست دهد.

نمونه‌یابی



برخی از عوامل اجتماعی را مثال بزنید که زمینه‌ساز گناه می‌شوند و انسانی که کرامت نفس نداشته باشد، تسلیم آن عوامل می‌گردد.

جوان صاحب کرامت، در مقابل شهوت نمی‌شکند و اقتدار خود را نشان می‌دهد، همان‌طور که در مقابل تحریک یک دوست ناباب به سرعت تسلیم نمی‌شود. فقیری که کرامت دارد، گدایی یا دزدی نمی‌کند و نمی‌گوید که ناچارم گدایی یا دزدی کنم.

انسان دارای کرامت نفس، با بزرگواری و بزرگ‌منشی با مردم روبرو می‌شود، در مقابلشان متواضع است، و چون در درون خود «بزرگ» است نیازی به «کوچک» شمردن و تحقیر دیگران ندارد.

همین انسان، در مقابل افراد زورگو و ستمگر عزت‌مندانه می‌ایستد و از کرامت‌ها و فضیلت‌ها دفاع می‌کند.

برای مطالعه



پیامبر اکرم ﷺ و خانواده‌ی گرامی ایشان نمونه‌های عالی تواضع در برابر مردم و کرامت در مقابل جبّاران بودند. همان پیامبری که در سخت‌ترین روزها به بزرگان

قریش فرمود اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارید، از راه حق دست بر نمی دارم، روزی هم که صاحب قدرت بدون رقیب در حجاز شد، در مقابل پیرزنی مستمند بر روی خاک نشست و متواضعانه درددل های او را شنید و به کارش رسیدگی کرد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام و فرزندان بزرگوار ایشان نیز با تأسی به رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کرامت و عزت انسانی پای می فشردند و زندگی ذلیلانه را برای یک مسلمان ننگ و عار می دانستند.

هنگامی که ابوذر از مدینه به سوی تبعیدگاه خود - رَیْذَه - می رفت، امام علی به همراه امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - وی را بدرقه کردند و دلداری دادند. هر کدام، به وی سخنی فرمودند. امام حسین علیه السلام در عبارتی حماسی به وی فرمود:

عموجان از خداوند مقاومت و یاری طلب کن و از این که ناچار شوی در مقابل دیگران زاری کنی به خدا پناه بر.

زندگی و شهادت آن حضرت تجسم کرامت، آزادگی و عزت نفس بود. سخنان محدودی که از ایشان باقی مانده، حکایتگر همین روح آزادگی است. می فرمود:

«خداوند کارهای بزرگ، وزین و والامرته را دوست دارد و از کارهای کوچک و سبک بیزار است.»^۱

«مرگ با عزت و شرافت از زندگی با ذلت بهتر است.»^۲

در تنگنا و سختی مبارزه و در شرایطی که از هر جهت در محاصره بود، به آنان فرمود:

«به خدا سوگند که من دست ذلت به شما نمی دهم و مانند بردگان فرار نمی کنم.»^۳

۱- مجموعه ی آثار، ج ۱۷ (حماسه ی حسینی)، استاد شهید مطهری، ص ۴۷ و الغدير، ج ۸، ص ۳۰۲

۲- جامع الصغير، ج ۱، ص ۷۵.

۳- همان، ص ۴۶.

۴- همان، ص ۴۹ و ارشاد شیخ مفید، ص ۲۳۵.



آیا تاکنون خود را بر دوراهی کرامت و گناه یافته‌اید؟ تصمیم‌هایی را که به یادتان می‌آید، مرور کنید و از خود حساب بکشید. با خود یکرنگ باشید و از آسان‌گیری بپرهیزید.

خودِ عالی و اصیل — خودِ دانی و غیراصیل

انسان، حقیقتی است با دو دسته از تمایلات: تمایلات عالی و تمایلات دانی. چون این دو دسته از تمایلات در درون انسان قرار دارند، دسته‌ی اول را خودِ عالی و دسته‌ی دوم را خودِ دانی نامیده‌اند. گاهی این دو دسته از تمایلات یا این دو «خود» در مقابل یک‌دیگر قرار می‌گیرند و با هم مبارزه می‌کنند.

شخصی برای گردش از خانه بیرون می‌آید. با یکی از همسایه‌های خود که مریض است، روبه‌رو می‌شود و می‌بیند که وی به کمک نیاز دارد. در این موقع، آن شخص خود را در مقابل دو تمایل می‌بیند که هر دو، او را از درون تحریک می‌کنند، با اندک تأملی، آن شخص از گردش منصرف می‌شود و به کمک همسایه‌ی بیمار خود می‌رود. این تصمیم، احساسی از رضایت‌مندی و پیروزی در او پدید می‌آورد و اگر از کنار بیمار با بی‌توجهی عبور می‌کرد و به گردش می‌رفت، عذاب وجدان به او دست می‌داد و تا مدت‌ها وی را آرام نمی‌گذاشت.

این دو خود با عنوان نفسِ لوّامه و نفسِ اماره وارد صحنه می‌شوند و جنگ سختی را در درون ما به راه می‌اندازند و ما را بر سر دوراهی‌های تصمیم‌گیری و انتخاب قرار می‌دهند.

انسان صاحب کرامت و عزت، همواره به سود نفسِ لوّامه عمل می‌کند و تسلیم نفسِ اماره نمی‌شود. اما انسان ذلیل، در درون شکست می‌خورد و تسلیم نفسِ اماره می‌شود. بنابراین، انسان گناهکار پیش از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم شود، ابتدا در خود می‌شکند و حقارت را پذیرا می‌شود. کسی که در مقابل دیگران تن به ذلت می‌دهد، ابتدا در مقابل تمایلاتِ پستِ درون خود شکست خورده و ذلیل شده است. او کرامت خود را از دست داده و به دنائت و پستی دچار شده است.



تقابل میان این دو دسته تمایلات یا این دو «خود» همواره در زندگی ما رخ می‌دهد. چند مورد از آن را ذکر کنید.

تفکر در آیات



قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ
أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ
بگو زیانکارترین مردم
کسانی هستند که خود و اهل خود را ببازند
در قیامت
آگاه باشید که این خسروانی روشن است.
زمر ۱۵

در این آیه تفکر کنید و توضیح دهید:

۱- چرا کسی که خود را ببازد زیانکارترین مردم است؟

۲- مقصود از خود در این آیه کدام خود است؟

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ
فَأَنسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ . . .
از آنانی نباشید که خدا را فراموش کردند
پس خود آن‌ها را از یادشان برد

حشر ۱۹

در این آیه تأمل کنید و توضیح دهید که:

۱- از یاد بردن خود چه معنایی دارد و شامل کدام «خود» می‌شود؟

۲- علت از یاد بردن خود چیست؟ چرا؟

تفکر در احادیث

پیشوایان ما مظهر کرامت نفس اند و درباره‌ی آن سخنان بسیار عمیق و زیبایی دارند. در این سخنان تأمل کنید و به سوالات پاسخ دهید.

الف	از امام سجاد (ع) پرسیدند: از همه‌ی مردم گرامی‌تر کیست؟ فرمود: آن کس که تمام دنیا را با قدر و شأن خود برابر نمی‌کند. ^۱
ب	امام علی (ع): آن کس که خود را گرامی‌بدارد، شهوت‌ها در نزد او حقیر و پست می‌شوند. ^۲
ج	امام علی (ع): مردم دنیا دو دسته‌اند؛ یک دسته به بازار جهان می‌آیند و خود را می‌فروشند و برده می‌سازند. دسته‌ای دیگر نیز در این بازار خود را می‌خرند و آزاد می‌کنند. ^۳
د	امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع): نفس خود را در برابر هر پستی‌گرامی و برتر بدار، گرچه منفعت فراوانی داشته باشد؛ زیرا با از دست دادن بخشی از کرامت خود، چیزی به دست نمی‌آوری. ^۴
هـ	امام صادق (ع): بهای نفس گران‌قدر و با ارزش خود را فقط خدای خود می‌داند؛ زیرا در میان مخلوقات، موجودی نیست که قیمت نفس مرا داشته باشد. ^۵
۱	آیا با از دست دادن کرامت می‌توان چیزی در خور به دست آورد؟
۲	مقصود از فروختن و خریدن خود در بازار دنیا چیست؟
۳	چگونه می‌توان در مقابل شهوات ایستادگی کرد؟
۴	کسی که دنیا را هم قدر خود نمی‌داند، از چه خصلتی در وجود خود خبر می‌دهد؟
۵	کسی که خداوند را بهای نفس خود می‌داند، چه دریافتی از خود داشته است؟

۱- فی رحاب ائمة اهل البيت، ج ۴، ص ۷۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۴۱.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۳۱.

۵- بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۵.

راه پرورش کرامت نفس

عزیز و کریم از اسم‌های خدا هستند. اسم بیانگر صفت است و دو اسم عزیز و کریم بیانگر آن‌اند که خداوند صاحب عزّت و کرامت است؛ بنابراین، برای یافتن عزّت و پرورش آن در خود، باید به سراغ سرچشمه‌ی آن رفت. قرآن کریم می‌فرماید:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ
فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا

فاطر ۱۰

این آیه سرچشمه‌ی عزّت را به ما معرفی می‌کند و می‌فرماید که هر کس به دنبال عزّت است، باید به این سرچشمه مراجعه کند و راه دیگری وجود ندارد؛ زیرا همین آیه تمام عزّت را از آن خدا می‌داند و برای دیگری که در مقابل خدا باشد، سهمی قائل نیست. هر کس اطاعتش از خدا بیش‌تر باشد، کرامت و عزّتش بیش‌تر است. به همین جهت، قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، ابتدا عزّت را به سرچشمه‌ی آن و سپس به پیامبر و پس از آن به مؤمنین نسبت می‌دهد.

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ
وَلِرَسُولِهِ
وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

منافقون ۸

خدا سرچشمه‌ی بزرگی‌ها و کرامت‌هاست. کسی که خدا را درست بشناسد و به مراتبی از معرفت الهی برسد، به طور طبیعی همه‌ی امور غیرخدایی نزد او کوچک می‌شوند و در نتیجه، در مقابل هیچ امر غیرخدایی احساس حقارت و کوچکی نمی‌کند. امام علی (علیه السلام) در وصف چنین انسان‌هایی می‌فرماید:

عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ خدا در نفس آنان بزرگ است
فَصَغَّرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ پس غیر خدا در چشم آنان کوچک.^۱



اکنون می‌گوییم که انسان صاحب کرامت اهل پیمان‌شکنی نیست. او پیمانی را که با خدا بسته است، نمی‌شکند و بی‌وفایی نمی‌کند؛ زیرا آن را مخالف کرامت خود می‌یابد. بنابراین، یکی از راه‌های ماندگاری بر پیمان، تقویت احساس کرامت و عزت است.

تحقیقات نشان می‌دهد اکثر گناهکاران و مجرمان افرادی هستند که کرامت نفس خود را از دست داده و تحقیر شده‌اند. در نتیجه یکی از راه‌های مبارزه با کثری‌ها و زشتی‌ها در جامعه، تکریم انسان‌ها و جلوگیری از تحقیر آن‌هاست تا افراد بتوانند در فضایی محبت‌آمیز و با امنیت، بزرگوارانه و کریمانه به زندگی خویش ادامه دهند و از آلودگی به گناهان و زشتی‌ها در امان باشند.



- ۱- میان کرامت نفس و گناه چه رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا؟
- ۲- آیا می‌توان مسئولیت انجام دادن گناه را از دوش خود برداشت و به عوامل بیرونی منتقل کرد؟

۱- نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۳

- ۳- با توجه به این که آیه ی ۱۰ سوره ی فاطر خداوند را صاحب عزّت معرفی می کند، راه بهره مندی از عزّت الهی چیست؟
- ۴- آیا انسان صاحب کرامت به پیمان شکنی دست می زند؟



۱- یکی از سخنان معصومین علیهم السلام را که در این درس آمده و تأثیر بیش تری بر شما داشته است، انتخاب کنید و با خط زیبا بنویسید. آن گاه پس از تزیین، آن را در یک قاب جای دهید.

۲- «دعای عهد» از جمله دعاها ی مفاتیح الجنان و شامل تجدید عهد روزانه با امام است. در قسمتی از این دعا خواسته های خود را از خداوند طلب می کنیم. این خواسته ها، همان ویژگی هایی هستند که ما به عنوان پیرو امام باید داشته باشیم. این ویژگی ها را استخراج و در کلاس مطرح کنید. همچنین، بکوشید کل این دعا یا این قسمت از آن را حفظ کنید و پس از نماز صبح بخوانید.

خدایا! بی‌دانه که تو ما را عزیز داریم آفریده‌ای و از ما می‌خواهی که
کرامت و عزت خود را حفظ کنیم! خدایا! در این راه ما را یاری فرما
برنامه:

تلاش کن که در هر روز یادآور کرامت ذاتی خود باشی. خود را از زبان
نزد و از گناه که از زمین براندازی کرامت و عبادت است. دوری
کنم. باشد که با مشغولیت بستر حقیقت خود، کام‌هایی بندتری به سوی
کرامت نفس بردارم.





مرحله‌ی سوم در مسیر



در سال‌های اوّل و دوم، در مرحله‌ی «قدم در راه» و «در مسیر»، دانستیم که انسان براساس
تصمیم خود، برنامه‌ریزی می‌کند و آن را به اجرا درمی‌آورد تا به هدف برسد. برنامه‌های پیشنهادی
دو سال گذشته عبارت بودند از :

ارتباط با خدا

ارتباط با خود

ارتباط با دیگران

سال اول

سال دوم

- | | |
|--|---|
| <p>۱- برنامه‌ریزی برای شناخت هرچه بیش‌تر خداوند به عنوان محبوب و مقصود زندگی</p> <p>۲- استفاده از راه‌های مناسب برای تقویت ایمان به او</p> <p>۳- عهدبستن با خداوند برای رفتن به سوی او</p> <p>۴- به یاد خدا بودن در طول کار روزانه</p> <p>۵- انجام صحیح و به موقع نماز همراه با تفکر در آن</p> | <p>۱- برنامه‌ریزی برای تقویت دوستی با خداوند و اطاعت از او، دوستی با دوستان او، دوستی با راه رسیدن به او، دشمنی با دشمنان خداوند (توئی و تبری)</p> <p>۲- توکل و اعتماد بر خداوند در تصمیم‌گیری‌ها</p> |
|--|---|

- | | |
|--|--|
| <p>۱- برنامه‌ریزی برای خودشناسی بیش‌تر</p> <p>۲- تصمیم برای داشتن هدف در زندگی</p> <p>۳- پیمان‌بستن با خداوند برای گام گذاشتن در راهی که او برای ما انتخاب می‌کند.</p> <p>۴- مراقبت از تصمیم‌ها و پیمان‌ها</p> <p>۵- رعایت آداب خواب، استراحت، تندرستی و تغذیه</p> <p>۶- برنامه‌ریزی برای قرائت و تدبر پیوسته در قرآن کریم</p> | <p>۱- برنامه‌ریزی برای داشتن ظاهر آراسته</p> <p>۲- هماهنگ کردن ظاهر باطن</p> <p>۳- تقویت همت برای کار و فعالیت</p> |
|--|--|

- | | |
|---|--|
| <p>۱- الگو قرار دادن پیشوایان دین در برنامه‌ریزی‌ها</p> <p>۲- انتخاب دوستان شایسته</p> <p>۳- انجام مسئولیت‌های دوستی نسبت به دوستان</p> | <p>۱- الگو قرار دادن پیشوایان دین در برنامه‌ریزی‌ها</p> <p>۲- دوستی و مهر با دوستان خداوند</p> <p>۳- دشمنی با دشمنان خداوند</p> <p>۴- حضور آراسته‌ی همراه با عفاف و عزت در جامعه با پوشش مناسب</p> <p>۵- دعوت دیگران به خیر با استفاده از روش‌های نیکو، به خصوص با عمل به معروف</p> <p>۶- انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در موارد ضروری با روش درست</p> <p>۷- برنامه‌ریزی برای داشتن کار مفید در جامعه</p> <p>۸- انجام مسئولیت‌های مالی خود نسبت به جامعه، مانند انفاق و مالیات و برنامه‌ریزی برای پرداخت خمس و زکات</p> |
|---|--|



درس ۱۴

زمینه‌های پیوند مقدس

خانواده ارزشمندترین بنیاد اجتماعی نزد خداست که با پیوند زن و مرد به وجود می‌آید و با آمدن فرزندان، کامل می‌شود. پس از تولد فرزندان، زن و مرد، مادر و پدر بودن را می‌پذیرند و فرزندان خود را در دامن مهربان خود تربیت می‌کنند.

- در این درس به بررسی این مسئله می‌پردازیم که
- ۱- نگاه دین به زن و مرد به عنوان انسان چیست؟
 - ۲- عوامل و زمینه‌های جذب زن و مرد به یک دیگر برای تشکیل خانواده کدام‌اند؟
 - ۳- چه اهدافی برای تشکیل خانواده مناسب‌اند؟

. إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ
 وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ
 وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ
 وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ
 وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ
 وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ
 وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ
 وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ
 وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ
 أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ
 مَغْفِرَةً وَاجْرًا عَظِيمًا

احزاب ۳۵

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا

مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ

وَهُوَ مُؤْمِنٌ

فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

.....

.....

.....

او را با یک زندگی پاک حیات می بخشیم
و مسلماً به آنان پاداش می دهیم
مطابق با بهترین اعمالشان.

نحل ۹۷

أَعَدَّ: آماده کرده است

صَائِم: روزه دار

خَاشِع: فروتن

کلمه‌ی «انس»، «انسان» و «بنی آدم» در قرآن کریم اختصاص به جنس خاصی ندارد و هر پیامی که با این کلمات همراه شده، به زن و مرد، هر دو، مربوط می‌شود. زیرا زنان و مردان به عنوان افراد نوع انسان، ویژگی‌های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با استفاده از سرمایه‌های ذاتی خود می‌توانند به آن هدف برسند و در بهشت جاوید خداوند منزل گزینند.

تفکر در آیات

— در آیه‌های ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که نشان دهنده‌ی یکسانی مقام و منزلت انسانی زن و مرد است، استخراج کنید.

— در آیات زیر تفکر کنید و پیام مشترک آن را که به زن و مرد، هر دو، مربوط می‌شود، یادداشت کنید.

علق/ ۲، ۵، ۶ و ۷، نجم/ ۳۹، انشقاق/ ۵، تین/ ۴، عصر/ ۲ و ۳
اعراف/ ۲۶ و ۲۷ و ۱۷۲، اسراء/ ۷۰، ذاریات/ ۵۶ و الرحمن/ ۳۳

تفاوت نقش‌ها

از آن‌جا که خداوند زن و مرد را برای زندگی در کنار هم آفریده، تفاوت‌های تکمیل‌کننده در وجود آن‌ها قرار داده و به یکدیگر نیازمند ساخته است.

این تفاوت‌ها به معنی برتری ذاتی یکی بر دیگری نیست، بلکه برای ایفای نقش تکمیلی در خانواده و جامعه، براساس ویژگی‌های زیستی و روان‌شناختی و بهره‌مندی مناسب و به‌جا از توانمندی‌های متفاوت آن دو است. به طور مثال توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیش‌تر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند. زن، با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کارکردن خود نان‌آور خانواده باشد.

متأسفانه گاهی به علت باورهای غلط فرهنگی و اجتماعی، رفتارهای نامناسبی نسبت به زنان روا داشته می‌شود که به هیچ وجه مورد تأیید دین اسلام نیست. اگر امروزه برخی افراد ارج و منزلت لازم را برای نقش مادری قائل نیستند و بر کار اقتصادی بیش از نقش مادری تأکید می‌کنند، ناشی از این اشتباه بنیادی است که می‌پندارند فضیلت و قدر و منزلت آدم‌ها به قدرت اقتصادی آن‌هاست.

زمینه‌های طبیعی تشکیل خانواده

نهاد خانواده مانند یک شرکت تجاری، اداری یا صنعتی نیست که در آن چند نفر برای رسیدن به منافع مشترک گرد هم می‌آیند و شرکتی را به وجود می‌آورند. خانواده یک نهاد طبیعی و لازمی خلقت انسان است و بدون این نهاد، حیات و تکامل انسانی با خطر جدی روبه‌رو می‌شود. به عبارت دیگر، تشکیل خانواده زمینه‌های طبیعی دارد و این زمینه‌ها، زن و مرد را به هم نزدیک می‌کنند و سبب شکل‌گیری خانواده می‌شوند.

زمینه‌ی اول — نیاز جنسی: ابتدایی‌ترین زمینه‌ی شکل‌گیری نهاد خانواده، نیاز جنسی مرد و زن به یک‌دیگر است. این نیاز که احساس آن از دوران بلوغ آغاز می‌شود، اولین کشش و جاذبه را میان زن و مرد ایجاد می‌کند.

زمینه‌ی دوم — نیاز به آرامش و انس روحی با همسر: نیاز برتری که زن و مرد را به زندگی با یک‌دیگر فرامی‌خواند، آرامشی است که بدین وسیله به دست می‌آید. این آرامش، تنها با بودن در کنار همسر حاصل می‌شود و راه دیگری برای دستیابی به آن نیست. اگر فردی غرق در لذت‌های جنسی باشد اما مجرد زندگی کند، باز هم نوعی بی‌قراری درونی او را آزار می‌دهد و جای خالی همسر را در کنار خود حس می‌کند. برخی از ازدواج‌های ناموفق هم ریشه در همین موضوع دارند که زن یا مرد به این نیاز همسر خود توجهی ندارد و رفتاری آرامش‌بخش از خود نشان نمی‌دهد. تجربه‌های روان‌شناختی گویای آن است که توانایی زن نسبت به مرد در ایجاد سکونت و آرامش بیش‌تر است و مبدأ آرامش در خانواده، اوست.

قرآن کریم به این نیاز توجه کرده است و می‌فرماید :

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ
مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

روم ۲۱

خداوند در این آیه، در کنار آرامش، به رابطه‌ی همراه با مودّت و رحمت هم اشاره می‌کند. اگر زن و مرد در کنار هم احساس آرامش درونی کنند، به تدریج به رابطه‌ای مودّت‌آمیز که سرشار از مهربانی است، می‌رسند. خیر و برکتشان به یکدیگر بیش‌تر می‌شود و پیوندی مستحکم میان آن‌ها به‌وجود می‌آید.

زمینه‌ی سوم — رشد و پرورش فرزندان: خانواده بستر رشد و بالندگی فرزندان است و هیچ نهاد دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود. فرزند، ثمره‌ی پیوند زن و مرد و تحکیم‌بخش وحدت روحی آن‌هاست. آنان دوام وجود خود را در فرزند می‌بینند و رشد و بالندگی او را پایداری وجود خود می‌یابند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید :

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ
مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَوْجَادِكُمْ

فرزندان و نوادگان

.....
.....
.....

بَنِينَ وَ حَفَدَةً

وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

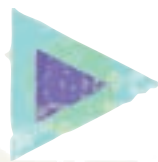
أَفْبَالِ الْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ

وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

نحل ۷۲

مسئولیتی که با آمدن فرزندان بر دوش پدر و مادر قرار می‌گیرد، بسیار سنگین و غیرقابل چشم‌پوشی است. زن و مردی که ازدواج می‌کنند و خداوند به آن‌ها فرزندانی می‌بخشد، درحقیقت با خداوند پیمان بسته‌اند که این هدیه‌های الهی را شکوفا کنند و به ثمر رسانند. بنابراین، تمام فعالیت‌های بعدی پدر و مادر باید به گونه‌ای تنظیم شود که به رشد این نهال‌ها و بالندگی آن‌ها کمک کند. هریک از استعدادهای فرزندان که به‌خاطر بی‌تدبیری پدر و مادر، خودخواهی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها و تسلیم در برابر آداب و رسوم ساختگی، سرکوب شود، در پیشگاه خداوند مجازاتی را به همراه دارد. بهداشت روانی و جسمی کودک و تعادل رفتاری و تعالی اخلاقی وی یک خواست الهی است که از همان ابتدای ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد.

برای مطالعه



۱- پس از تشکیل خانواده، تصمیم‌های پدر و مادر تابعی از توجه به خانواده و اصل قرار دادن آن است. پدری که درآمد مناسبی دارد و می‌تواند وقت بیشتری را با خانواده و فرزندان بگذراند اما چنان به شغل خود وابسته است که بودن با خانواده را فراموش می‌کند، نمی‌تواند بگوید شغلم ایجاب می‌کند که دیر وقت به خانه بیایم. مادری که شوهرش از درآمد کافی برخوردار است، نمی‌تواند بگوید شغلم ایجاب می‌کند که کودکم را هر روز به مهد کودک بسپارم و به این ترتیب، کودکش را از مهر و محبت مداوم

خود محروم کند. به همین جهت، رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌گویند:

«بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. یکی از وظایف مهم زن عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی، چه دختر چه پسر، وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد.»

زمینه‌ی چهارم — نیاز به رشد معنوی و اخلاقی: عالی‌ترین زمینه برای تشکیل خانواده، نیاز به فرصتی مناسب برای رشد معنوی، اخلاقی و اجتماعی زن و مرد و فرزندان است. خانواده، فضایی ایجاد می‌کند که نه تنها فرزندان، بلکه پدر و مادر نیز می‌توانند فضایل اخلاقی خود را تقویت کنند و رشد دهند.^۱

جوان با تشکیل خانواده زمینه‌های فساد را از خود دور می‌کند، مسئولیت‌پذیری را تجربه می‌نماید، مهر و عشق به همسر و فرزندان را در خود می‌یابد، ایثار و از خود گذشتگی برای دیگری را تمرین می‌کند، هدفدار و با انگیزه می‌شود، احساس استقلال و شخصیت می‌کند و زندگی برای او معنای جدی‌تری می‌یابد.

هدف از ازدواج

اهداف، اگر به درستی انتخاب شده باشند، ریشه در نیازها دارند و برای رفع یک نیاز گزینش

۱- دختران زودتر از پسران از سطح نیاز اول می‌گذرند و به نیازهای بالاتر می‌رسند و معمولاً نیازهایی بیش از نیاز جنسی آن‌ها را به سوی پسران می‌کشاند. برخی از پسران که معمولاً برای نیاز سطح اول به سوی دختران می‌روند، به ارتباطی موقت بسنده می‌کنند و پس از مدت کوتاهی ارتباط خود را قطع می‌کنند و کمتر به ارتباطی پایدار برای تشکیل خانواده می‌اندیشند. به همین جهت، گفته‌اند که برای تشکیل خانواده، علاوه بر نیاز اول، آگاهی از نیازهای دیگر که مدتی پس از بلوغ جنسی برای پسران حاصل می‌شود، ضرورت دارد. از فواید مهم مشورت دختران با پدران و مادران تشخیص موضوعاتی از این قبیل است (رجوع کنید به یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۳۰).

می‌شوند. اکنون که نیازها و زمینه‌های طبیعی تشکیل خانواده را شناختیم، شایسته است که درباره‌ی هدف خود از ازدواج از هم‌اکنون فکر کنیم و برای آن آماده شویم. برخی پس از ازدواج هم نمی‌دانند به خاطر چه ازدواج کرده‌اند. به خاطر داشتن فرزند یا رفع نیاز جنسی یا خواست پدر و مادر و یا برای تبعیت از یک رسم و عادت؟



با توجه به نیازهای طبیعی تشکیل خانواده، ابتدا اهداف مناسب برای ازدواج را تعیین کنید. سپس، این اهداف را درجه‌بندی کرده هدف برتر را مشخص سازید.



۱- چگونه می‌توان خانواده را به عامل گسترش مهربانی و دوستی در جامعه تبدیل کرد؟

۲- وقتی می‌گوییم باید خانواده را اصل قرار داد و سایر تصمیم‌ها را با آن تنظیم کرد، منظور چیست؟ چند نمونه ذکر کنید.

۳- چرا می‌گوییم خانواده یک نهاد طبیعی و متفاوت با سایر نهادهای اجتماعی است؟



برای تقویت رابطه‌ی میان خویشاوندان، چه راه‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟
با تعدادی از دوستان خود یک گروه مشورتی تشکیل دهید و نتیجه‌ی هم‌فکری خود را در این زمینه، به کلاس گزارش کنید.



پیوند مقدس

رسول خدا ﷺ

در اسلام، هیچ بنایی نزد خدا
محبوب تر از ازدواج نیست.^۱

از زیباترین و حساس ترین تصمیم های زندگی، انتخاب
همسر و آغاز زندگی مشترک است. به خاطر اهمیت و حساسیت
این تصمیم، شایسته است از هم اکنون به مطالعه در این باره
بپردازیم و آگاهی خود را در این زمینه افزایش دهیم تا در آینده با
آمادگی لازم و به درستی تصمیم بگیریم. معمولاً برای همه ی
نوجوانان و جوانان در زمینه ی انتخاب همسر سؤال هایی پیش
می آید که در این جا بعضی از آن ها را مطرح می کنیم.

همسر مناسب و دل خواه، چه کسی است؟

برای این که ما همسری شایسته باشیم، چه مسئولیت هایی
را باید بر دوش بگیریم؟

با چه موانعی در ازدواج روبه رو هستیم و چگونه می توانیم
از آن ها عبور کنیم؟

۱- ما بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِجِ - من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، ص ۴۰۹.

انتخاب همسر و مسئولیت آینده

پس از تعیین هدف ازدواج، انتخاب زوج مناسب مطرح می‌شود. طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل زن و مرد برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام گیرد، باطل است و مشروعیت ندارد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت‌زاست. برای موفق شدن در این مسئولیت، باید با چشم باز عمل کرد و به انتخابی شایسته دست زد. لازمه‌ی چنین انتخابی، تسلط کامل بر شور و احساس جوانی است. همواره دیده‌ایم که علاقه و محبت اولیه، چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند، به گونه‌ای که فریادهای خیرخواهانه‌ی او را نمی‌شنوند. این سخن زیبای امام علی علیه السلام مربوط به مواردی از همین قبیل است:

حُبُّ الشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ علاقه‌ی شدید به چیزی آدمی را کور و کر می‌کند.^۱

از این رو، پیشوایان دین ما از ما خواسته‌اند که در مورد همسر آینده با پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی درست برسیم. پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصالح و خوش‌بختی او را در نظر می‌گیرند و به علت تجربه و پختگی‌شان، بهتر می‌توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش‌بینی کنند.

البته پدران و مادران نباید نظر خود را بر فرزندانشان تحمیل کنند و آن‌ها را به ازدواجی ناخواسته بکشانند. شایسته است محیط خانواده، محیط هم‌دلی، اعتماد به بزرگ‌ترها، شنیدن نظریات یک‌دیگر و به‌خصوص، محیط محبت و ایثار باشد تا تصمیم‌هایی از این قبیل در عالی‌ترین شکل خود گرفته شوند.

از همین منظر است که ضروری بودن اذن پدر برای دختران روشن می‌شود. لطافت‌های روحی و ظرافت‌های عاطفی دختر، آن‌گاه که در فضای محبت و علاقه‌ی جنس مخالف قرار می‌گیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیت‌ها و کاستی‌ها را به دنبال دارد؛ به‌خصوص که دختران به‌خاطر حیا و عزت‌نفس قوی خود، در ازدواج پیش‌قدم نمی‌شوند و طلب و درخواست از طرف پسر است نه دختر. در چنین مواقعی، پدر که بر احساسات خود غلبه دارد و نیز دارای تجارب فراوان و شناخت کامل از جنس مرد است، می‌تواند به‌سان باغبانی از گل لطیف و ظریف خویش

۱- خاتمة المستدرک، میرزای نوری، ج ۱، ص ۲۰۱.

مراقبت کند و به راهنمایی او بپردازد.^۱

معیارهای همسر شایسته

اولین سنگ بنای خانواده، انتخاب همسر خوب است. هرگونه سهل انگاری و تصمیم گیری عجولانه که بیش تر تحت تأثیر احساسات یا اجبار و تحمیل بستگان و دوستان صورت می گیرد، پشیمانی بعدی را به دنبال دارد.



پیشوایان ما بر معیارهای زیر برای همسر مناسب تأکید کرده اند. چهار مورد از معیارها را که از نظر شما از سایر معیارها مهم ترند انتخاب کنید و دلایل انتخاب خود را توضیح دهید.

اصالت خانوادگی، ایمان و اعتقاد به خداوند و دستورات او، قدرت اداره ی زندگی و تدبیر آن، سلامت جسمی و فکری، عقل و درایت (فهمیم بودن)، علم و دانش، عفیف بودن، با محبت بودن، غیور بودن، محبت به رسول خدا ﷺ و اهل بیت ایشان، زیبایی و مورد پسند بودن، خوش سابقه در اخلاق، قناعت در بهره مندی مال و ثروت، اهل کار و تلاش بودن.

۱- طبعاً تأکید بر اذن پدر برای آن است که گاه، ممکن است دختری علی رغم توصیه های پدر، علت خیرخواهی و راهنمایی او را درک نکند. در این صورت، لزوم اذن پدر او را از افتادن در دام زندگی ناپایدار و نامطلوب باز خواهد داشت؛ بنابراین، اذن پدر نه تنها محدودیتی برای دختران نیست بلکه لطفی از جانب خداوند برای آنان است؛ زیرا در بیش تر موارد نظر پدر و دختری یکی می شود. تنها در صورت عدم توافق است که ازدواج منتفی می شود. البته در این صورت هم یا به صلاح دختر و یا خلاف مصلحت اوست. اگر تصمیم پدر خلاف مصلحت باشد، دختر می تواند با کمک بستگان پدر را قانع کند و اگر پدر استبداد ورزد و به مصلحت فرزند توجه نکند (که البته بسیار استثنایی و نادر است)، مراجع قانونی حق دختر را به وی باز خواهند گرداند.

راه‌های شناخت همسر

تحقیق درباره‌ی همسر آینده، به اندازه‌ای که به کمک آن بتوان به شکلی مطمئن تصمیم‌گیری کرد، امری ضروری است. تحقیق باید نتیجه‌بخش باشد و در چهارچوب ضوابط و معیارهای الهی صورت گیرد؛ بنابراین، تحقیق درباره‌ی همسر آینده را نباید با معاشرت‌هایی که منشأ آن تنها هوس‌های زودگذر است، اشتباه کرد. این‌گونه معاشرت‌ها، هر چند با عنوان‌هایی مانند شناخت روحیه‌ی همسر و امتحان او باشد، نتیجه‌بخش نیست و آثار زیان‌بار دیگری دارد که به خاطر همان آثار، خداوند اجازه‌ی این‌گونه معاشرت‌ها را نداده است. در این معاشرت‌ها که معمولاً احساسات بر هر دو نفر حاکم می‌شود، هر طرف اصرار دارد خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد تا محبوب دیگری واقع شود. معمولاً هم بیش‌تر این معاشرت‌ها به سستی رابطه و جدایی می‌انجامند.^۱ متناسب با فرهنگ اسلامی، راه‌های زیر برای شناخت همسر آینده پیشنهاد می‌شود:

- ۱- تحقیق درباره‌ی خانواده‌ی همسر و موقعیت اعضای خانواده در محل زندگی و محل کار.
- ۲- شناخت دوستان همسر و کسانی که او با آن‌ها معاشرت بیش‌تری دارد.
- ۳- تحقیق درباره‌ی روحیات و خُلقیات همسر در محیط کار یا محل تحصیل.
- ۴- معاشرت خانواده‌های دوطرف با یک‌دیگر و بهره‌بردن از تجارب پدر و مادر در این معاشرت‌ها.
- ۵- مشورت با افراد قابل اعتماد و کاردان.
- ۶- گفت‌وگو با یکدیگر در جلسات حضوری و طرح نظریات و دیدگاه‌ها درباره‌ی موضوعات مختلف.

بررسی

هریک از راه‌های فوق را بررسی کنید و بگویید که هرکدام از این راه‌ها چگونه در تشخیص همسر آینده به ما کمک می‌کند.

۱- گاه افرادی که به تعبیر قرآن کریم، قلبی مریض دارند، این‌گونه معاشرت‌ها را وسیله‌ی هوس‌رانی قرار می‌دهند و پس از مدتی، زمینه‌ی جدایی را فراهم می‌کنند. اعتماد به راهنمایی خداوند، بهترین راه خوش‌بختی است. فکر نکنیم که اگر در برخی کشورها رابطه‌ی آزاد دختر و پسر را تجویز کرده‌اند، خانواده‌ها مستحکم‌تر شده‌اند و خوش‌بختی افراد افزایش یافته است. این معاشرت‌ها فقط سبب شده که روابط نامشروع قبل از ازدواج افزایش یابد و فرزندان با یک سرپرست که در بیش‌تر مواقع هم آن یک سرپرست مادر است، زیاد گردد و در نتیجه‌ی آن، ناهنجاری‌های دیگری شکل گیرد که در این‌جا مجال ذکر آن‌ها نیست.

زمان ازدواج

اکنون جا دارد این سؤال را بررسی کنیم که سن مناسب ازدواج کدام است. در این میان، دختران و پسران با پیشنهاد های گوناگونی روبه‌رو هستند که هریک از آن‌ها بر محوری خاص، تأکید می‌کند. نباید از یاد ببریم که ازدواج، برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ‌گویی به قانون خلقت انجام می‌شود. اگر به این نیازهای طبیعی در زمان و موقعیت مناسب پاسخ داده نشود، مانند سایر نیازها، اختلالات و مشکلات خاص خود را به دنبال دارد و آسیب‌های جبران‌ناپذیر روانی، اخلاقی و اجتماعی وارد می‌کند. شادابی، نشاط، سلامت جسمی و روحی، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی، تعادل در حالات و رفتار، خوش‌رویی و خوش‌خلقی، کاهش فشار جنسی، کاهش روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی و روانی از فواید ازدواج به موقع است. زندگی یک جوان در کنار کسی که همسر او محسوب می‌شود، چنان برکتی برای جسم و روح او دارد و چنان لذتی را به ارمغان می‌آورد که هیچ چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد.

درست، برعکس این حالت، وقتی است که فردی بخواهد در قالبی غیر از ازدواج به نیاز جنسی خود پاسخ دهد. در آن صورت، لذت آنی برخاسته از گناه، پس از چندی روح و روان فرد را پژمرده می‌کند و شخصیت او را می‌شکند. این گونه اشخاص، به جای بازگشت به مسیر درست، برای فرار از این پژمردگی به افراط در گناه کشیده می‌شوند اما نمی‌دانند که روحشان مانند تشنه‌ای است که هرچه پیش‌تر به او آب دریا می‌دهند، بر تشنگی‌اش افزوده می‌شود و بی‌قراری‌اش شدت می‌گیرد.

آمادگی زیستی و روحی ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی ایجاد می‌شود و نباید فاصله‌ی میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد. به همین علت پیشوایان ما همواره دختران و پسران را به ازدواج تشویق و ترغیب کرده و از پدران و مادران خواسته‌اند که با کنار گذاشتن رسوم غلط شرایط لازم برای ازدواج آنان را فراهم کنند و به خاطر برخی پندارهای باطل فرزندان خود را به گناه نکشانند و جامعه را گرفتار آسیب‌ها نسازند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را حفظ کرده است؛ پس، باید برای نصف دیگر از خدا پروا داشته باشد.^۱

این جمله‌ی کوتاه اهمیت ازدواج را به‌خوبی می‌رساند و نشان می‌دهد که چگونه نیمی از دینداری انسان با ازدواج حفظ و نگه‌داری می‌شود.

ایشان هم چنین می‌فرماید: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند.^۱

امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

دو رکعت نماز شخص متأهل، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص مجرد می‌خواند.^۲

مشکلات پیش رو

وقتی به واقعیت‌ها نگاه می‌کنیم و شرایط جامعه و خانواده‌ها را از نظر می‌گذرانیم، می‌بینیم که ازدواج به موقع با مشکلاتی روبه‌روست و اولین سؤالی که به ذهن جوان‌ها خطور می‌کند این است که با وجود مشکلات اقتصادی فراوان، چگونه می‌تواند ازدواج کند. چاره‌اندیشی در این مورد به بخش‌های مختلفی از جامعه مربوط می‌شود. آنها باید با برنامه‌ریزی صحیح، به تدریج از شمار مشکلات بکاهند و امکان ازدواج به موقع را فراهم آورند. در عین حال، با مدیریت و تدبیر اعضای خانواده می‌توان بر بسیاری از مشکلات پیروز شد و شرایط مناسبی را برای ازدواج فراهم کرد. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از:

- ۱- نیاز به مسکن
- ۲- هزینه‌های ازدواج و تأمین خانواده
- ۳- طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی
- ۴- توقعات غیرضروری که بر اثر برخی آداب و رسوم غلط بر خانواده تحمیل می‌شود.
- ۵- رقابت‌های نابجای خانوادگی
- ۶- الگو قرار ندادن روش پیشوایان دین و بی‌توجهی به راهنمایی‌های آنان.

۱- نوادر راوندی، ص ۳۶.

۲- رساله‌ی نوین، امام خمینی (ره)، با توضیحات عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، ص ۶۶.

با توجه به مشکلات یاد شده، برای این که ازدواج در زمان مناسب خود انجام شود و تأخیر آن به حداقل برسد، راه حل های پیشنهادی شما برای گروه های زیر چیست؟

۱- مسئولان جامعه

۲- پدرها و مادرها

۳- دختران و پسران

برای مطالعه

خواستگاری

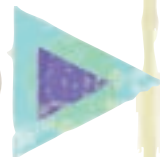
معمولاً خواستگاری از طرف پسر اعلام و قبول و رضایت از طرف دختر صورت می گیرد. این سنت پسندیده بیانگر کرامت، عزت نفس و حیای دختر و نیز نشانه ای آن است که پسر است که باید سؤال و درخواست کند و دختر است که می تواند بپذیرد یا رد کند. به تعبیر دیگر، این پسر است که باید ابتدا محبت خود را اعلام کند و به دنبال دختر بیاید تا دختر این اعلام محبت را بررسی کند و پاسخ دهد. این به اقتضای احترام و برای حفظ عظمت و شخصیت دختر است. دختر به طور طبیعی و فطری، مردی را برای همسری می پسندد که به دنبال او بیاید و اعلام محبت و وفاداری کند.

البته، طرح خواستگاری از سوی مرد بدین معنا نیست که دختران همسر مناسب خود را انتخاب نکنند و مستقیم یا غیرمستقیم خود را به وی معرفی نمایند. این کار می تواند صورت گیرد اما باید شرایطی فراهم کرد که مرد درخواست ازدواج را به خانواده ی دختر بدهد تا در صورتی که امکان ازدواج فراهم نشد، کرامت و عزت نفس دختر حفظ شود.

نمونه ی زیبای چنین موردی، ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه پیش از

نبوت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه به درست کاری و امانت داری مشهور بود و حضرت خدیجه این را می دانست اما پس از این که مال التجاره ی زیادی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد و ایشان را برای یک سفر تجاری به شام فرستاد و امانت داری و درست کاری ایشان را در عمل دید و اخلاق کریمانه ی ایشان را مشاهده کرد، شیفته ی رفتار و اخلاق پیامبر شد. اما پیامبر به این موضوع توجهی نداشت تا این که حضرت خدیجه علاقه و محبت خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله با کسانی از خویشان خود که با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دوستی داشتند، در میان نهاد و آنان پیامبر صلی الله علیه و آله را مطلع کردند و درباره ی شخصیت ممتاز حضرت خدیجه با ایشان سخن گفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت خدیجه را همسری مناسب برای خود دید، به خواستگاری ایشان رفت و ازدواج این دو بزرگوار صورت گرفت.^۱

برای مطالعه



طرح سؤال

وظیفه ی جوانی که به بلوغ جنسی و عقلی رسیده اما هنوز امکان ازدواج پیدا نکرده چیست؟

پاسخ: قرآن کریم درباره ی چنین جوانی می فرماید :

وَلَيْسْتَ عَفِيفَ الَّذِينَ راه عفاف را پیش گیرند کسانی که

لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا امکان ازدواج برایشان نیست

حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ تا خداوند آنان را بی نیاز کند از فضل

خود

نور ۳۳

۱- یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱۰؛ سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد؛ زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.

قرآن کریم، هیچ راهی جز عفاف و پاکدامنی و مهار نفس را نمی‌پذیرد. زیرا خدایی که غریزه‌ی جنسی را به انسان داده، هم او به انسان نیروی ایمان و اراده‌ای بخشیده که بتواند خویشتن‌داری کند و مانع گناه شود. برای این که عفاف و مهار نفس آسان‌تر شود، راه‌های زیر نیز پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- ارزش گذاشتن به خود و توجه به کرامت نفس خود.
- ۲- برنامه‌ریزی درست روزانه به گونه‌ای که بی‌برنامگی از بین برود.
- ۳- معاشرت نکردن با افراد بی‌بند و بار.
- ۴- خواندن نماز به جماعت، با حضور در مسجد.
- ۵- کنترل نگاه به نامحرم.
- ۶- حضور در مجالس دینی پرمحتوا.
- ۷- شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی سازنده و رشددهنده.
- ۸- دوری از فیلم‌ها، کتاب‌ها و برنامه‌های تحریک‌کننده.
- ۹- ورزش کردن در ساعات معین.



- ۱- چهار مورد از مهم‌ترین معیارهای همسر شایسته را مشخص کنید.
- ۲- اگر فاصله‌ی بین بلوغ و ازدواج طولانی شود، چه مشکلاتی پیش می‌آید؟



مراسم عروسی، آغاز زندگی زن و مرد است. امروزه این مراسم با برنامه‌های مثبت و منفی و صرف هزینه‌های گوناگونی برگزار می‌شود. از آن‌جا که احتمالاً تاکنون در چند مراسم عروسی شرکت کرده‌اید، این موضوع را بررسی کنید.

- ۱- کدام یک از برنامه‌های این مراسم با احکام و دستورات الهی هماهنگ بوده است؟
- ۲- کدام یک از برنامه‌های آن با احکام و دستورات الهی هماهنگ نبوده است؟



درس ۱۶

کانون مهر

با انتخاب همسر، زن و مرد گام اصلی را به سوی تشکیل خانواده برمی دارند و احساسی جدید در آن‌ها پدید می‌آید. خانواده‌ی آن‌ها تلاش خود را برای برگزاری مراسم ازدواج آغاز می‌کنند و در سامان دادن به خانه و زندگی جدید آن‌ها را یاری می‌دهند. در همین حال، مسأله‌ای جدید این دو زوج را در اندیشه‌ای عمیق فرو برده است:

در چه صورتی این خانواده می‌تواند کانون رشد و تعالی اعضای آن باشد؟

.....	وَقَضَىٰ رَبُّكَ
.....	أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ
.....	وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
اگر آن‌ها نزد تو به پیری رسند،	إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ
یکی از آن دو یا هر دو	أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا
.....	فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ
ایشان را از خود مران	وَلَا تَنْهَرُهُمَا
و با آن دو کریمانه سخن بگو	وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا
و برایشان بگستران	وَ اخْفِضْ لَهُمَا
پر و بال مهربانی، از در رحمت	جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ
و بگو: پروردگارا آن دو را ببخش	وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا
همان‌طور که مرا در کودکی تربیت کردند.	كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا
اسراء ۲۳ و ۲۴	

قَضَى: حکم کرد، فرمان داد

پیمان ازدواج

پیمان ازدواج که عقد نام دارد، تعهد رسمی و شرعی دختر و پسر برای تشکیل خانواده است. این پیمان چند شرط اصلی دارد که عبارت‌اند از:

- ۱- اعلام رضایت دختر و پسر و اجباری نبودن ازدواج برای هیچ کدام.
- ۲- فریب کاری نکردن درباره‌ی عیب‌هایی که ازدواج را باطل می‌کند.^۱
- ۳- اذن پدر برای ازدواج دختر.
- ۴- صدق یا مهریه‌ی زن.

برای مطالعه

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه‌ی ارزشی که برای زن قائل است و اعلام صداقت خود در محبت به همسر، متعهد می‌شود که هدیه‌ای را به زن تقدیم کند. این هدیه، در صورت درخواست زن باید بلافاصله به وی داده شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً - به زنان به عنوان هدیه، صداقتشان را پردازید.^۲

در این آیه، خداوند دو تعبیر زیبا به کار برده است: یکی لفظ «نِحْلَةً» و دیگری «صداق». با توجه به این دو تعبیر، می‌توان به حقیقت مهر در اسلام پی برد. نِحْلَةً به معنای هدیه و پیشکش و صداق به معنای نشانه‌ی صداقت و راستی است. مهریه، هدیه‌ای برای بیان صداقت مرد در محبت به همسر و زندگی مشترک با اوست. خداوند

۱- عیب‌هایی که مانع زندگی خانوادگی می‌شوند، در کتاب‌های احکام مشخص شده‌اند.

۲- نساء ۴.

طبیعت مرد و زن را به گونه‌ای آفریده است که مرد در وضع عاشق، محتاج و اظهارکننده‌ی محبت نسبت به زن قرار می‌گیرد و زن در موضع معشوقی است که با حیا و بی‌نیازی، موافقت و محبت خود را اعلام می‌کند. حتی هنگامی که طلب و محبت از جانب زن آغاز می‌شود، او برای حفظ استغنا و حیای خود، به گونه‌ای غیرمستقیم مرد را برای خواستگاری تسویه می‌کند؛ همان‌طور که حضرت خدیجه نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین عمل کرد.^۱ بنابراین، مهریه جنبه‌ی اقتصادی چندانی ندارد و افزایش آن پشوانه‌ی تحکیم خانواده نیست. همان‌طور که امروزه می‌بینیم افزایش میزان مهریه‌ها نه تنها مانع جدایی شده، بلکه سبب آن شده است که برخی از مردان به علت ناتوانی در پرداخت مهریه روانه‌ی زندان شوند. آنان باید بدانند که تحکیم خانواده در گرو عوامل دیگری است که اسلام معین کرده است. به همین جهت، پیشوایان ما زنانی را که فقط با تعیین مهریه‌های زیاد و شرایط مالی سنگین حاضر به ازدواج می‌شوند، شوم و بی‌برکت دانسته‌اند.^۲

نقش همسران در زندگی مشترک

وقتی که یک دختر و پسر پیمان ازدواج می‌بندند و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، به معنای این است که نقش جدیدی را پذیرفته و به اجرای آن نقش متعهد شده‌اند؛ به طوری که هر مسئولیت و نقش دیگری را با این نقش می‌سنجند و تنظیم می‌کنند. آنان می‌دانند که هر برنامه‌ی دیگری، نباید نقش آن‌ها را در خانواده تحت الشعاع قرار دهد و بدان آسیب رساند. هم‌چنین، می‌دانند که زن و شوهر مکمل یکدیگرند و هریک باید نقش خود را انجام دهد و جز در موارد ضروری، از یکسان‌سازی نقش‌ها دوری کنند. مرد، همسر زن خود و پدر فرزندان است و زن، همسر شوهر خود و مادر فرزندان است. بر این مبنا، مرد و زن دارای نقش‌های مشترک و اختصاصی‌اند. یادآوری این نکته ضروری است که وقتی از نقش‌ها سخن می‌گوییم، منظورمان این نیست که هرکس فقط نقش خود را ایفا کند و به کمک دیگری برنخیزد. خانواده جایگاه همدلی و همیاری است

۱- یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۵، ص ۱۱۰ و سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی، ج ۱، ص ۱۱ به بعد. و زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۹۱.

۲- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ص ۴۱۰.

و زن و مرد یار و مددکار یکدیگرند، در کارها با هم و با فرزندان مشورت می‌کنند، با پشتیبانی و همیاری یکدیگر کارها را به پیش می‌برند و در صورت ضرورت، یکی بار دیگری را هم بر دوش می‌کشد.

نقش مرد

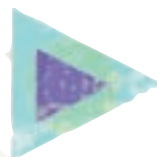
۱- تأمین هزینه‌ی زندگی خانواده: در نظام اقتصادی اسلام، زنان مانند مردان استقلال اقتصادی دارند و می‌توانند از راه‌های حلال کسب مال کنند و درآمد آن را در هر راه مشروعی به مصرف برسانند. در عین حال، در زندگی زناشویی، تأمین هزینه‌های لازم از جهت خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه برای آسایش و رفاه شایسته‌ی همسر ضرورت دارد، بر عهده‌ی شوهر است. این وظیفه‌ی مالی که بر عهده‌ی مرد قرار می‌گیرد، از نظر شرعی و حقوقی، به پرداخت نفقه تعبیر شده است. در این جا باید توجه داشته باشیم که:

- شرط پرداخت نفقه، نیازمند بودن زن نیست، بلکه انجام وظایف همسری است. اگر زن ثروتمند هم باشد، باز هم این تکلیف بر عهده‌ی مرد است و اگر زن درآمد خود را در هزینه‌ی خانواده مصرف می‌کند، به همسر خود کمک کرده است.

- در صورتی که مرد با وجود توانایی، نفقه را نپردازد و نیازهای همسرش را تأمین نکند، دادگاه اسلامی وظیفه دارد حق زن را بگیرد و به او باز دهد.

تأمین هزینه‌ی زندگی فرزندان نیز بر عهده‌ی مرد است. مرد وظیفه دارد از راه کار و کسب حلال، خوراک، پوشاک و مسکن فرزندان و سایر ابزار و وسایل زندگی آنان را فراهم کند. در هیچ کدام از این موارد وظیفه و تکلیفی بر عهده‌ی زن نیست.

برای مطالعه



چرا اسلام تأمین هزینه‌ی زندگی را فقط بر عهده‌ی مردان نهاده و زن را در این مورد آزاد گذاشته است؟

این موضوع، در کشورهای گوناگون شکل پیچیده‌ای به خود گرفته است. از میان کشورهایی که پرداخت نفقه را بر عهده‌ی مردان گذاشته‌اند، برخی استقلال اقتصادی

زن را سلب کرده‌اند. در برخی کشورها این مسئله را به توافق اولیه‌ی زن و شوهر واگذار کرده و در پیش‌تر موارد، این هزینه را مشترک تعریف کرده‌اند. در این میان، به علت محبت شدید مادر نسبت به فرزند، به خصوص در مواردی که اختلاف یا جدایی پیش می‌آید، بار بیش‌تری بر عهده‌ی زن قرار می‌گیرد.

در مقررات اسلامی به‌طور روشن بیان شده است که هزینه‌ی زندگی زن و فرزند بر عهده‌ی مرد است؛ گرچه زن ثروت هنگفتی داشته باشد. این حکم اسلامی متناسب با همان نقش طبیعی پدر و مادر در خانواده و روحیات هر کدام است.

از آن‌جا که زن، به‌طور طبیعی مجهز به دستگاه حمل و شیر دادن فرزندان است، از آغاز بارداری و در تمام دوران کودکی، درگیر حمل، شیردهی و نگهداری کودک است. بدیهی است که کودک پس از این مدت هم به مراقبت و تربیت جسمی و روحی نیاز دارد و رشد جسمی، عاطفی و فکری او در دامن پر مهر مادر امکان‌پذیر است. این مهر و عاطفه‌ی سرشار و این مراقبت توأم با گذشت و فداکاری است که آن رشد را ایجاد می‌کند. حال، اگر قرار باشد مادر مسئولیت‌های سخت دیگری که خود هزاران دغدغه‌ی فکری به‌دنبال دارند بر عهده داشته باشد، عملاً از تمرکز بر وظیفه‌ی مادری بازمی‌ماند و دیگر نباید توقع داشت که در انجام وظیفه‌ی مادری موفق و سربلند باشد. البته از آن‌جا که گذاشتن تأمین هزینه‌ی زندگی بر عهده‌ی مردان از یک تقسیم کار طبیعی و عادلانه ریشه می‌گیرد، در صورت عدم توانایی مرد بر تأمین معاش، عواطف همسری ایجاب می‌کند که زن به کمک مرد بیاید و او را یاری دهد. این کار، هر چند وظیفه‌ی زن نیست اما اگر در حد توانایی او باشد و در عین حال، باعث غفلت از وظیفه‌ی اصلی یعنی نقش مادری و گرم نگه‌داشتن کانون خانواده نشود، پسندیده است.

۲- مدیریت و نگاهبانی از حریم خانواده: نقش دیگر مرد، مدیریت خانواده و حفظ کردن آن از خطرهایی است که از درون یا بیرون آن را تهدید می‌کنند. ایفای درست این نقش به تلاش، برنامه‌ریزی، مشورت با سایر اعضای خانه و فداکاری نیاز دارد. البته باید توجه داشته باشیم که این مدیریت، برای مرد وظیفه‌ی سنگینی ایجاد کرده است که هرگونه اهمال و سستی در انجام دادن آن یا

تصمیم‌گیری‌های خارج از مصلحت خانواده، جایگاه او را به‌عنوان مدیر خدشه‌دار می‌کند. مرد باید برای تأمین مخارج ضروری خانواده تلاش کند، مسکن مناسبی برای آن‌ها فراهم آورد، امکانات مادی و آموزشی و زمینه‌ی رشد و تحصیل فرزندان را مهیا کند، لوازم آرامش روحی و آسایش همسر را برای ایفای درست نقش مادری به‌وجود آورد و در مقابل همه‌ی مشکلات بیرونی، از خانواده‌ی خود حفاظت کند.

۳- رابطه‌ی محبت‌آمیز با همسر: مرد باید محبت درونی خود را به همسر ابراز کند و از مخفی کردن آن پرهیزد. همسر با شنیدن ابراز محبت مرد، اعتماد به نفس فوق‌العاده‌ای می‌یابد و توجه او به زندگی چند برابر می‌شود.
رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

این گفته‌ی مرد به زن که «تو را دوست دارم» هیچ‌گاه از قلب او بیرون نمی‌رود.^۱
نیز می‌فرماید:

نشستن مرد در کنار همسر خود، پیش خداوند دوست‌داشتنی‌تر از اعتکاف و شب‌زنده‌داری در مسجد خودم (در مدینه) است.^۲
همچنین، فرموده است:

آن مردی که برای همسرش لقمه می‌گیرد، نزد خدا پاداش دارد.^۳

۴- محبت و نظارت پدری: پدر فقط نان‌آور خانواده نیست، بلکه باید با برقراری ارتباط درست با فرزندان، عواطف پدری را به آن‌ها منتقل کند، برای آینده‌ی آنان برنامه‌ریزی نماید، وقتی به نوجوانی و جوانی رسیدند، با آن‌ها مشورت کند، برای زندگی آینده، آن‌ها را آماده سازد، درد دل‌های آنان را بشنود و از هر جهت مراقب سرنوشت و آینده‌ی آن‌ها باشد.

نقش زن

نقش زن در خانه، نقشی محوری است و اگر زن بتواند این نقش را به‌خوبی ایفا کند، بنای

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۲- تنبیه‌الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

۳- المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۷۰.

خانواده مستحکم و روابط اعضای خانواده ناگستنی می‌شود. اکنون ببینیم که در خانواده چه نقش‌هایی برعهده‌ی زن است.

۱- همسر داری: زن، آرامش‌بخش زندگی مرد است. زن با گرمای وجود خویش به محیط خانه شادی و نشاط می‌بخشد، مرارت‌ها و خستگی‌ها را از همسر خود دور می‌کند و در سختی‌های روزگار در کنار او می‌ایستد. در چارچوب این رابطه‌ی سرشار از محبت، تمایلات جنسی زن و مرد ارضاء و نیازهای زندگی زن‌اشویی برطرف می‌شود. با ارضای این تمایلات و نیازها، توجه به خارج از خانه از بین می‌رود و فساد اجتماعی کاهش می‌یابد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هر زنی که یک لیوان آب به شوهرش بدهد، از یک سال روزه‌داری و شب زنده‌داری برایش برتر است.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

جهاد زن، آراستگی و زیبایی برای شوهرش است.^۲

۲- تدبیر امور خانه: با توجه به نقش مرد در تأمین هزینه‌ی خانواده و حراست کلی از آن، مدیریت داخلی خانه با زن است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

مرد، مدیریت عمومی خانواده را برعهده دارد و زن، مدیریت داخل خانه را. این سخن بیانگر یک تقسیم کار طبیعی و اهمیت مدیریت داخل خانه و بیان‌کننده‌ی ارزش خانه‌داری است. متأسفانه، امروزه برخی از جایگاه این مدیریت، آگاهی ندارند و نمی‌دانند که این مدیریت داخلی، جمع‌کننده و پیوند دهنده‌ی پدر، مادر و فرزندان و نگه‌دارنده‌ی آن‌ها در زیر یک سقف است. زنانی که با دوراندیشی امور خانه را سامان می‌دهند و از آموزه‌های علمی کمک می‌گیرند، بستری برای رشد و بالندگی فرزندان و آرامش و نشاط همسر، که از اهداف مهم خانواده است، به وجود می‌آورند. آیا این نقش کوچک و بی‌اهمیت است؟

۳- مادری: مادر از زیباترین کلمه‌ها در همه‌ی فرهنگ‌هاست. مفهوم مادری، مجموعه‌ای از بهترین مفاهیم را تداعی می‌کند: محبت، ایثار، شکیبایی، عفاف، پایداری، آرامش، قدردانی، احترام

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره‌ی ۱۳۶.

و بسیاری مفاهیم زیبای دیگر.

هیچ کار دیگری را نمی‌توان با این نقش مقدس برابر دانست. دلیل آن هم روشن است. رشد و بالندگی فرزند از ابتدای انعقاد نطفه در رحم تا مدت‌ها پس از تولد بر عهده‌ی مادری با محبت، شکیبا، فداکار، خردمند، عفیف و باتقواست. رشد متعادل و طبیعی فرزند بیشتر بر عهده‌ی مادر است و با وقت‌گذاری او ممکن می‌شود.

البته فداکاری و محبت مادر به فرزند، به خود او هم تعالی می‌بخشد و نشاط می‌دهد. بوسه‌ای که مادر بر گونه‌ی فرزند می‌زند، نه تنها تزیین محبت به فرزند است، بلکه نوشیدن شربتی گوارا برای مادر نیز هست. قسمت عمده‌ی شخصیت فرزند به دست مادر شکل می‌گیرد و سرمایه‌های بزرگ روحی و نبوغ علمی و اجتماعی میوه‌هایی هستند که از بذرهایی که مادران مسئولیت‌شناس کاشته‌اند، حاصل می‌شوند به همین جهت هم هست که اسلام، وظیفه‌ی تأمین معاش را از دوش مادران برداشته است تا آنان بدون درگیری شغلی و مالی و با خیالی آسوده، مهر و محبت خود را تقدیم فرزندانشان کنند.

بررسی

با توجه به این که دامن مادر مهد اصلی تربیت فرزند است، بررسی کنید:

۱- در چه مواردی باید از مراکز عمومی تربیت کودک استفاده کرد؟

۲- چه تفاوتی میان تربیت این گونه مراکز و تربیت مادر وجود دارد؟

نقش مشترک: برنامه‌ریزی برای رشد و تعالی خود و فرزندان

مهم‌ترین وظیفه‌ی پدر و مادر، ایجاد زمینه‌ی مناسب برای رشد و تعالی خانواده است و همه‌ی نقش‌های قبلی برای به‌انجام رساندن این وظیفه است. پدر و مادر باید با همکاری یک‌دیگر برنامه‌ای را تنظیم کنند که به اهداف زیر منجر شود:

۱- بهداشت جسمی و روحی فرزندان

۲- امکان دانش‌اندوزی، به‌خصوص برای فرزندان

۳- شکل‌گیری پایه‌های معنویت و اخلاق پسندیده و صفات شایسته در فرزندان

۴- تمرین آداب معاشرت و توانایی حضور شایسته و فعال در جامعه برای فرزندان



موقعیت کنونی خانواده‌ها را بررسی کنید و عواملی را که سبب دوری یا نزدیکی آن‌ها به اهداف بالا می‌شوند، برشمرد.

۱- عوامل مربوط به درون خانواده

۲- عوامل مربوط به بیرون خانواده

ما و مادر و پدر

هریک از ما در ذهن خود از پدر و مادر تصویری داریم که ممکن است با تصویر دیگری متفاوت باشد. این تصویر که برگرفته از تجربه‌ی ما از زندگی با پدر و مادر است، می‌تواند دربردارنده‌ی افتخار و سربلندی، قدردانی و احترام، رضایت و خرسندی، یا ترحم و دل‌سوزی، سردی و بی‌اعتنایی و نارضایتی و انتقاد باشد.

در عین حال همه‌ی ما می‌کوشیم رضایت پدر و مادر را جلب کنیم، حرمت آن‌ها را نگه داریم و دستوراتشان را اطاعت کنیم. به تجربه دیده شده است که انسان‌هایی که پدر و مادر خود را می‌رنجانند، در زندگی خوش‌بخت و کامروا نمی‌شوند و آنان که بدون چشم داشت به پدر و مادر خود خدمت می‌کنند، زندگی موفق‌تری دارند. حفظ حرمت پدر و دستورات وی به قانون‌مند کردن فرزندان کمک می‌کند و محبت و احترام به مادر حسّ قدردانی و شکرگزاری را قوی‌تر می‌سازد.



پس از مطالعه‌ی آیات ابتدای درس وظایفی را که برای فرزندان بیان شده است، استخراج کنید.

گام هفتم

برنامه:

۱- برنامه‌ای برای مطالعه‌ی کتاب‌های مفید و باروری خانواده تنظیم
می‌نماید تا همه با احکام دینی خانواده آشنا شوند و به دانش خود را در باروی
این موضوع گسترش دهند.

۲- تلاش می‌نماید تا شوهر و زن با اعتماد و جفا خود از ازدواج
دو شکی‌بازی به سر آیند و امر را به خوبی متفحص سازند.

۳- از همه اکنون به گونه‌ای عمل می‌کنند که در آینده و نزد همه سر خود به عنوان انسانی
خفیف، وفادار و صادق شناخته شوند.

۴- از همه اکنون خود را به گونه‌ای آماده می‌کنند که بتوانند در انتخاب همه
مراسته خواستگاری، مراسم عقد و از دواج و در زندگی مشترک مطابق نظر
پیشایان دینی عمل کنند.